



نظری اجمالی به شوش و علل توسعه و گسترش آن در قرن حاضر

مهرالزمان نوبان

سیروس ایمانی نامور

اسال شاهد برپایی نخستین گردهم‌آیی باستان‌شناسی در یکی از مدهای تمدن بشری بودیم. شوش به عنوان جایگاه برگزاری انتخاب شد و شرکت‌کنندگان در گردهم‌آیی نیز از نزدیک، شاهد نடைها و یادگارهای یکی از تمدنهای کهن بشر در این گوشه از سرزمین ایران بودند. اکنون جا دارد شرح اجمالی از علل توسعه و گسترش شهر کهن شوش در قرن حاضر ارائه گردد.

شهرستان شوش با مساحتی حدود ۳۵۷۷ کیلومتر مربع بین ۴۷ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۴۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و بین ۳۱ درجه و ۳۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در غرب استان خوزستان قرار دارد.

این شهرستان از شمال به شهرستان اندیشکده از شرق به شهرستانهای دزفول و شوشتر، از جنوب غربی به شهرستان دشت آزادگان و از شمال غربی به استان ایلام محدود است. ارتفاع شوش از سطح دریا ۸۷ متر است. در شهرستان شوش سه رودخانه مهم کشور، دز، کرخه

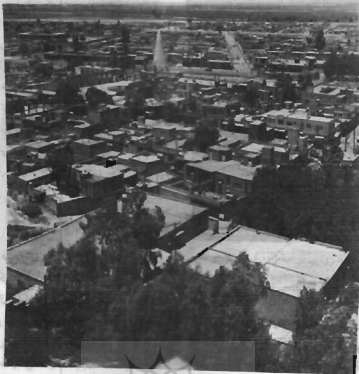
و شاتور جریان دارد. رود دز در شرق شوش جاری است و مرز طبیعی این شهرستان با شهرستان دزفول را تشکیل می‌دهد. این رود از کوه‌های لرستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی در شوشتر به کارون ملحق می‌شود. رود کرخه از حوالی کوه الوتد در همدان سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود با دریافت شعباتی چند از کرمانشاه، ایلام و لرستان به جلگه خوزستان می‌رسد. رود شاتور نیز بین دو رودخانه دز و کرخه جریان دارد و منبع اصلی آن چشمه‌ها و سخازن زیرزمینی واقع در شمال شهر شوش است.^۱

درباره وجه تسمیه نام شوش روایات زیر آمده است: حمزه اصفهانی "شوش" را از "خوب" و "خوش" مأخوذ دانسته است. ابن کثیری می‌نویسد: شوش بن سام بن نوح آن را ساخته است.^۲ در تورات و ناموس درباره شوش آمده است: شوشن یا شوشان در عبری به معنی "زینق" بوده و نام شهر شوش است که آن را در یونان "سوسای" می‌گفته‌اند و نامهای دیگرش "سوسا" و "سوس" بوده است. شوش یا سوس نام همه گیاهان تیره سنبل، زینق، لرگس، ثورد و اسپرغم هم به شمار می‌رود.

در مورد شهر شوش و مرکزیت تجارت آن در بعضی متون چین آمده است:

اشعری می‌نویسد: "در شوش جامه‌های خز مرتفع بافند و جنسی از بزج خیزد که آن را پنج انگشت گویند. به عایت خوشبوی. و به سوس جامه‌های خز خیزد. و به قزوب و سوس طراز سلطان باشد. و در جای دیگر می‌نویسد: "در شهر سوس رودی هست. و شومد که روزگار ایوموسی اشعری آنجا تاپوتی یافتند. و گفتند که استخوانهای دانیال پیغامبر علیه السلام در آن تاپوت بود. و مردمان سوس آن تاپوت را حرمت داشتند و به وقت تنگی بیرون آوردند و باوران خواستند. ایوموسی اشعری بفرمود تا آن تاپوت بیاورند و سه گور بفرمود ساختن به خشت پخته، و تاپوت آنجا دفن کرد و استوار فرموده کردن چنان‌کی ناپد به شد. ...^۳

ابن حوقل می‌نویسد: "در شوش خرمای سنگین به دست می‌آید که آنها را به نواحی دیگر می‌فرستند. و در آنجا



۱ - منظره عمومی شهر شوش.

یغمر در آنجا یافتند.^۵

حداده مستوفی در قرن هشتم درباره شوش گویند: «سوس از اقلیم سیم و شهری وسط است و گرمسیر. «سها لیل بن قسبان توشین شیشین آدم» ساخت و این، اولین شهری است در خوزستان که بنا کردند و هوشنگ بر آن عمارت افزود. آنجا قلعه محکم ساخت و بر آن قلعه دیگر ساخت که در غایت استحکام بود. شاپور ذوالاکتاف تجدید عمارت کرد و شاپور خوره خوانند. گور دانیال‌نسی آنجاست بر جانب غربی آن شهر در میان آب.»^۶

مستحکم و قدسی و بازارهایی باشکوه و مسجدی که بر ستونهای مدور استوار بوده است وجود داشته و گویند قبر دانیال یغمر در بستر رود کرخه که شهر شوش نزدیک به کناره آن است واقع گردیده و کنار رود کرخه، در نزدیکترین

مقدسی می نویسد: «خوزستان هفت «خوره» دارد. یکی از آن هفت خوره «سوس» است.»^۷

لسترنج می نویسد: «در جنوب باختری دزفول خرابه‌های شوش، یعنی سوسای قدیم نزدیک رود کرخه قرار دارد. شوش در فرون وسطی شهری آباد و مرکز ولایتی بوده که چندین شهر از توابع آن بوده است و به داشتن ابریشم خام و نارنج و نیشکر فراوان شهرت داشته است. در آن شهر قلعه‌ای نوعی ترنج و شامه‌های خوشبوست که مانند پنجه دست می باشد و جز در مصر آن هم به مقدار اندک در جای دیگر به دست نمی آید.»^۸

در حدود العالم نوشته شده است: «شوش شهری است توانگر و جای بازرگانان و بارکنده خوزستان و از وی جامه و عمامه خز خیزد و ترنج و دست‌انبوی خیزد و تابوت دانیال



قطعه به قبر مزبور مسجد زیبایی واقع است که موضع آن قبر را معین می‌کند. ولایت شوش مخصوصاً سرزمین نیشکر بود و شکر به مقدار زیاد از آنجا به خارج فرستاده می‌شد. همچنین پارچه‌های ابریشمی و نخی در آنجا تهیه می‌گردید.^۸

این شهر از اواخر قرن چهارم هجری به دلایلی نامعلوم ارزش و اهمیت خود را به عنوان یک مرکز تمدن و شهری از دست داد. همه آثار آبادانی از آن زدوده شد و اندک‌اندک به ویرانه‌ای متروک و دیار خاموشان تبدیل شد و تا اوایل قرن حاضر که ساکنانی در آنجا مستقر شدند، فرنها خالی از سکه باقی ماند. عوامل مؤثر در به وجود آمدن و توسعه شهر و همچنین افزایش جمعیت شوش را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

مقبره دانیال نبی (ع)

۲ - مقبره دانیال نبی

دانیال یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل (قرن هشتم ق.م) است. دانیال به زبان عبری مفهوم "خدا حاکم من است" را دارد. احوال و سیرت آن حضرت در تاریخ چنین بیان شده است، وی جوانی و پیری خود را وقف خدمت به خداوند نمود و صفا و طهارت خود را همواره حفظ کرد. در میان ساحزان آن دوره پاک و منزّه بود و در حضور شاهزادگان بت پرست نام خدا را فرار می‌نمود. در هنگام جوانی در سال سوم سلطنت بھویاقیم (۶۵۵ ق.م) وی را به دربار نبوکدنصر (پادشاه بابل) در بابل به اسارت بردند. کلدانیان او را به بلشعز موسوم نمودند و دانیال نبی بر علوم کلدانیان و زبان مقدس واقف گردید و در حکمت بر آنها فروزی یافت. وی هرگز خود را به اغذیه و اشراف ایشان که با بر حسب رسم بھود و با بیه واسطه ناپاک بت پرستی ناپاک بود آلوده نساخت و آنچنان رفتار می‌نمود که در نظر ایشان مورد عنایت و لطف قرار گرفت.

اولین واقعه‌ای که سبب نفوذ دانیال نبی گردید تعبیر خواب "نبوکدنصر" بود که در سال دوم سلطنت خود دیده بود. دانیال به واسطه تعبیر آن خواب پیغمبری خود را آشکار نمود و در نتیجه آن حضرت مورد توجه نبوکدنصر قرار گرفت و وی را بر ولایت بابل حکومت داد و به ریاست سلسله خلفما

سرافراز گشت. چند سال بعد دومین خواب نبوکدنصر را تعبیر کرد و سپس خواب معروف بلشعز را تعبیر فرمود و به همین لحاظ بلشعز در مدت سلطنت خود دانیال نبی را به منصب عالی پیش از پیش سرافراز گردانید. حضرت دانیال نبی در دوره کوروش نیز مورد لطف او بود و آخرین غیب‌گویی وی در سال سوم سلطنت کوروش بود. در این اوقات با جد و جهد دعا می‌نمود و روزه می‌داشت و نصیحت می‌کرد که بھود را به وطن خودش مراجعت دهند و همواره در این امید عمر می‌گذرانید!

اکنون مقبره وی در شوش قرار دارد. از آغاز قرن حاضر به بعد به دلیل ارزش و اهمیت بقعه این حضرت به مرور عده‌ای در اطراف بقعه ساکن شدند و همین امر مقدمه ایجاد منازل مسکونی گردید.

مادام دیبالوآ در سفرنامه خود در زمان قاجاریه درباره این بقعه چنین می‌نویسد: «موقع ظهر کاروان حرکت کرد و پس از عبور از پل قدیمی عهد ساسانیان و مزارع گندم و دهکده‌ای که حصار گلی داشت در چند کیلومتری شهر در بیابان لم‌بزوعی التادیم، در اینجا زراعت دیده نمی‌شاد و زمین پراز درختهای کوچک بخاردار و بنه‌های کنار است. چسب



یکی از شعب کرخه از این بیابان عبور می‌کند زمین مختصر و طویلی دارد و به همین جهت خاها سرسبز هستند. در اینجا هم ما باز مجبور شدیم که از شعبه کرخه عبور کنیم. با اینکه آب تا زیر شکم اسبان بود بدون زحمت از آن گذشتیم. در آن طرف رود زمین به کلی عریان است. فقط سدهای قدیمی خرابی جاه جا دیده می‌شود و تپه‌های مصنوعی هم زیاد است. از هیچ طرف آثار آبادی و گله گوسفندی دیده نمی‌شود. مسطوره این بیابان دهشت‌انگیز و حزن‌آور است و قرنها می‌گذرد که انسان آن را به دست فراموشی سپرده است.

خلاصه ما در این بیابان لم بزرع به جلو می‌رفتیم و آفتاب هم گاهی از زیر ابرها بیرون می‌آمد. ناگهان تل بزرگی نمایان شد که مانند رشته حیایی امتداد داشت. قاطرچیان فریاد کشیدند که آنجا شوش است. ما از دیدن این تل خوشوقت شدیم و بر سرعت افزودیم. از اسامزاده کوچک خراسی گذشتیم و به پایه تل رسیدیم.

۳- یکی از برجهای قلعه شوش.

ابعاد این تل عظیم بیش از اشکال به مقیاس آوردن آن مراهبوت و حیران‌کرد. مقبره دانیال هم در طرف راست در پایه تل مرتفعی که بر میان آن واقع شوش می‌گویند واقع شده است. رودخانه مرداب مانند شاور هم که از ده فرسنگ بالاتر از زمینهای باتلاقی عبور می‌کند و به آب دزفول ملحق می‌گردد از کنار دیوار مقبره می‌گذرد - این مقبره که بسیار ساده و با خشت و گل ساخته شده با شهرتی که پیدا کرده و جمعیت زواری که به زیارت آن می‌روند تناسی ندارد - در هنگام آمدن از دزفول اگر گنبد مخروطی شکل آن که مقبره‌ای را نشان می‌دهد دیده نشود مسافر خیال نمی‌کند که اینجا یک قطعه خشت و گلی است که با آن در بزرگ برای سکونت روستاییان ساخته شده است.

در طرفین مقبره اطرافهایی ساخته شده که منظرنگاه نگاهبانان آن و چند نفر چوپانهای بیابانگرد است. در مقابل طاقسلاها هم پرده‌های حصیرمانندی که از ساقه نباتات باتلاقی و ایاف نخل بافته‌اند آویخته شده تا ساکنین از تابش آفتاب و کثیر الاصلاحها ۲۶ تاست و عدد اصلاح آنها نیز به نسبت متغیر است. هنر دو رشته ستوالی از این اشکال تشکیل سریع مستطیلهایی را می‌دهد که رأس هر زاویه از آنها دو وسط

و برش برلان محفوظ باشند! در حال حاضر بقعه دانیال نیی دارای دو حیاط است. حیاط نخستین کوچک می‌باشد ولی حیاط دوم بزرگتر و وسیعتر است و از سه طرف دارای اطرافهایی است که برای اقامت زوّار تخصیص داده شده است. مقبره در ضلع مقابل مربع مستطیل حیاط دوم واقع و دارای صحنه کوچکی است که قدیمی فلزی از بالای آن آویزان است. از صحنه مزبور ضریح دانیال در وسط دالانی که گرداگرد آن را فرا گرفته است پدیدار شد. ضریح از بزم ساخته شده و گنبلوله‌های برنجی به یکدیگر متصل گردیده‌اند. در قسمت فوقانی ضریح از چهار طرف روی تخت‌های نصب شده (بر فراز مکعب مستطیل مقبره) اشعاری به فارس نوشته شده است.

این بقعه گنبدی در مربع و جانب توجه دارد، پایین آن به شکل کثیر الاصلاح شش ضلعی است که هر ضلع آن به طول شش قدم می‌باشد. در روی این کثیر الاصلاح که به منزله پایه گنبد است دوابری برپده‌اند و خود آن دوابر را نیز به صورت کثیر الاصلاحهای محاطی در آورده‌اند که تعداد این



۲ - دورنمای عمومی قلعه شوش.

مهاجرت

یکی دیگر از علل افزایش جمعیت در شوش را می‌توان رشد جمعیت و مهاجرت اقوام مختلف به این خطه از کشور دانست.

ساکنین اولیه شوش "ایلامی"‌ها بودند که در مدت چند سال قومیت خود را حفظ نمودند. بیشتر مورخین و دانشمندان را نظر بر این است که اقوام "ایلامی" ابتدا در مناطق کوهستانی مسکون بوده‌اند؛ دلیل این فرضیه را نیز به علت معنی واژه "ایلام" که به معنی "سرزمین مرتفع"، "سرزمین کوهستانی" است می‌توان فرض نمود.

راجع به این مطلب که آیا ایلامیها از ابتدا در همین منطقه ساکن بوده و یا از نسلهای دیگر آمده‌اند مدارک صریح و روشنی وجود ندارد و هیچ‌یک از دانشمندان نظریه خاصی دربارهٔ موطن اصلی ایلامی‌ها با دلایل قطعی پیشنهاد ننموده‌اند.^{۱۲} همچنین از اجتماعات اولیه دیگر شوش می‌توان اقوام "عرب" را نام برد که ساکن این خطه بوده‌اند.^{۱۳} بعداً نخست طوایفی چون لرهای پشتکوه و عربهای

اصلاح مربعهای فوقانی و تحتانی است و هنگامی که خورشید به گنبد می‌تابد سایه و روشنهایی بسیار زیبایی در روی مربعهایی که یک در میان محدب و مقعرند ایجاد می‌شود، مجموع گنبد به شکل مخروط می‌نماید.

جنس بنا آهکی است. در رأس گنبد دو گنوله فلزی ساخته شده که یکی روی دیگری نصب شده و گنوله فوقانی نیز دارای نوکی فلزی است. در قسمت جلوی بام، رو به در ورودی حیاط دو مناره از کاشیهای سبز در طرفین جلو گنبد قرار دارد. تاریخ ساختمان گلدسته‌ها ۱۳۳۰ هجری قمری است. معمار ساختمان مزبور استاد "حاج ملا حسین معمار" است. گلدسته‌ها بعدها به دست استاد "جراد" پسر معمار مذکور ساخته شده است.

هر ساله از نقاط دور و نزدیک کشور برای زیارت مقبرهٔ دانیال نبی (ع) به این شهرستان می‌روند. در سال ۱۳۷۱ این بقعه ۸۷۹۴۸ ریال درآمد داشته است.^{۱۱}

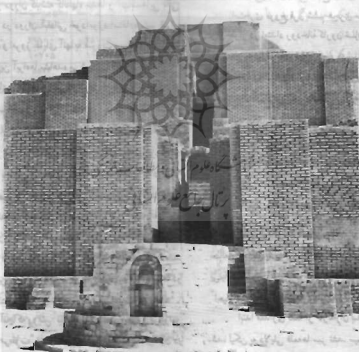
فضاهای زیستی با توجه به فرارگیری نپه‌های باستانی متعدد در این خطه از سرزمین ما باعث گسترش بی‌رویه این شهر گردید. بنابراین بایستی در حفظ و نگهداری این اموال فرهنگی کوشا بوده و از تخریب و ایجاد بناهای بی‌مطالعه در آن جلوگیری نمود.

کاوشهای باستان‌شناسی

از دیگر عوامل رشد و گسترش شهر شوش باید کاوشهای باستان‌شناسی را نام برد. از میانه قرن نوزدهم میلادی به این سوی کاوشهای باستان‌شناسی در اینجا آغاز شده است. عملیات کاوش به نیروی کار انسانی نیاز دارد. کارگران برای حفاری کارگران بسیاری را از اینجا و آنجا استخدام کرده و به شوش می‌آوردند و این کارگران دست‌دست در کنار بقعه دایلیسی بی‌توجه می‌کردند، کم‌کم کارگران زیادی خانواده‌های خویش را نیز به شوش آورده و زندگی نوینی را در پای

روستاهای اطراف و تعدادی از خانواده‌های دزفول که از شهرستان دزفول به این شهر آمدند باعث افزایش جمعیت شدند. سپس با شروع جنگ ایران و عراق، مهاجرت شکل خاصی به خود گرفت و منطقه شوش که نسبت به شهرهای همجوار خود همچون دزفول، شوشتر و... کمتر محسوب می‌شد جمعیتش رو به فزونی نهاد.

قابل ذکر است که مهاجرت و روند رشد جمعیت در این منطقه پیامدهای خاصی را دربر داشت که با توجه و دقت آنها و اجرای روشهای صحیح در زمان محدود و کوتاه از مشکلات آبی آنان کاست، تدابیر و چاره‌اندیشیهای بجای راهگشای مسائل پیچیده‌ای بود که بعدها در طول زمان به ثمر خواهد رسید. روند رشد جمعیت مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به وجود آورد که بارزترین آن مشکل افزایش جمعیت و تأمین مسکن در حال حاضر است. تأمین



تهای باستانی آغاز نمودند.

با ساکن شدن همبستگی کارگران و خانواده‌های ایشان مقدمات نخستین شهریگری امروزی در شوش فراهم آمد و این مهاجران موجد اولین سکونت مجدد در شوش چندین هزارساله شدند.^{۱۴}

کشت نیشکر و طرح آن در دشت شوش و هفت تپه

موقعیت جغرافیایی شوش شرایط مناسب کم نظیری از نظر جنس خاک و آب کافی در این منطقه به وجود آورده است. رودخانه‌های جاری در آن در بستری رسوبی جریبان دارند و عموماً مسیر آنها پایین‌تر از زمینهای اطراف است و به همین سبب استفاده از آب آنها مستلزم وسایل مصنوعی است که بتواند آب را بر روی زمینهای دشت مسلط نماید. این وضعیت از دورانهای پیش از تاریخ در این منطقه وجود داشته و دامنه‌های فعالیتهای آبرسانی به زمینهای کشاورزی از ابتدای استقرار بشر به عنوان اجزای کشاورزی در شوش مشاهده می‌گردد. از دوران گذشته کانالها، سدها و آب‌بندهایی باقی مانده‌اند که در دوران آبادانی خود مورد استفاده بشر قرار می‌گرفته‌اند و امروز بقایای آنها به صورت ویرانه‌ها و باقی‌مانده‌ها در اطراف این آبروها مشاهده می‌شود.

بقایای آثار شهرنشینی در شوش ما را بر آن می‌داند که اظهار تمایز اجتماعات این منطقه در حدود اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد از شبکه آبیاری پیشرفته‌ای استفاده می‌نموده و احتیاجات خود را از این راه تأمین می‌کرده‌اند. وجود آثار باستانی و تپه‌های پیش از تاریخ زیادی که در کنار کانالهای مصنوعی باستانی قرار گرفته‌اند دلیل قانع‌کننده‌ای بر اثبات این مدعا بوده و نشان می‌دهد که ساکنین آن تا چه اندازه از نظر آبیاری و کشاورزی پیشرفت داشته و احتمالاً تولیدات کشاورزی قابل توجهی در این سرزمین به وجود می‌آورده‌اند. علاوه بر این "طوبت کالی"، "ریزش باران" و "عدم سرما در فصول زمستان" منطقه را برای زراعت مساعد نموده است.

از آنجا که رویش "نیشکر" در نواحی "گرم و مرطوب" و "متعدّل مرطوب" امری طبیعی است، بنابراین کشت آن در منطقه ادامه یافت. نیشکر مهم‌ترین و پردرآمدترین محصول

کشاورزی قابل کشت در خوزستان است. به روایت تاریخ زراعت آن از زمان سلسله اشکانیان خاصه ساسانیان در خوزستان رواج داشته است. اطلاق کلمه خوزستان بر این استان نیز به نشانه وفور تولید شکر بوده است، زیرا "خوز" به معنی "شکر" و "نیشکر" می‌باشد و خوزستان به معنای "سرزمین نیشکر" یا "شکرستان" است.^{۱۵}

کشت نیشکر همان طور که در دستور بالا ذکر شد در این منطقه سابقه تاریخی دارد. این گیاه نخست از طریق چین و هندوستان به غرب برده شده است ولی تاریخ دقیق ورود آن به ایران مشخص نیست. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که این گیاه از قدیمترین ازمه تاریخ (حدود سالهای ۵۰۰ ق.م) به ایران وارد شده است.^{۱۶}

عوامل مساعدی چون: آب و هوا، قابلیت حاصلخیزی خاک، وفور آب، اجتماعات اولیه را به آن جاذب نموده و از جهت نیروی انسانی غنی‌گشت. عوامل فوق شکفتگی و رونق و رشد تمدن را در این سرزمین آشکار ساخت و به همین دلایل کشت آن در خوزستان رواج یافت.

استخری مورخ قرن ششم هجری می‌نویسد: "من از طریق اهواز در امتداد رودخانه کارون مسافرت کرده‌ام... آبهای این رودخانه یک قطره هم به هدر نمی‌رود و تمام آن برای آبیاری نخلستانها و مزارع غلات و نیشکر استفاده می‌شود و در تمام این حوزه محلی نیست که نیشکر در آن نرود." بعدها در اثر پیشامدهای طبیعی و تسلط اعراب به تدریج این شبکه کشاورزی پیشرفته روی به زوال گذاشت تا بدانجا که بقیه آنها نیز در حمله مغول ویران گردید و زراعت نیشکر متوقف شد و به جای اراضی آباد و حاصلخیز بیابانهای وسیع و خالی از سکنه به وجود آمد.

کشت نیشکر که در این منطقه از بین رفته بود به مطالعات بسیار به منظور افزایش شکر داخلی از نیشکر بی‌نیازی کشور از واردات شکر با مطالعات بسیار زیاد مجدد "احیاء نیشکر" (دوران پهلوی اول) آغاز شد.

ابتدا مقداری قلمه از مازندران به خوزستان آورده شد، لیکن به دلایلی قلمه‌ها سبز نشد. سپس در سال ۱۳۱۶ شمسی مقدار ۲۰۰ تن قلمه نیشکر از کشورهای مصر و

شوش امروز

با توسعه و افزایش روز به روز شهرستان شوش، در حال حاضر جمعیت آن بالغ بر ۱۵۸۰۹۱ نفر می‌باشد. از این تعداد ۷۳۲۶۰ نفر جمعیت باسواد (۶۱ درصد) را به خود اختصاص داده است. تعداد شاغلین این شهرستان ۳۸۰۳۴ نفر (۸۴/۱ درصد) می‌باشد.

شهرستان شوش دارای یک بیمارستان دولتی با ۵۸ تخت می‌باشد و همچنین یک کتابخانه عمومی همراه با ۶۶۱۹ جلد کتاب است. در این شهرستان ۱۶ مسجد و ۸ حسینیه قرار دارد. وجود سه چاپخانه کارهای چاپی این شهرستان را به عهده گرفته است.

خاک کشاورزی در شوش از رس، لای و ماسه تشکیل شده است. کمبود مواد آلی یکی از ویژگیهای مهم این خاکهاست. گندم و جو دو محصول عمده این شهرستان است. همچنین کشت چغندر قند، ماش، کنجد، گوجه، بادامجان، صیفی حات و سبزیکاری نیز در منطقه رایج است. ۱۸

نوع محصول	سطح زیر کشت (هکتار)	سطح برداشت شده (هکتار)	نوع تولید
گندم آبی	۴۵۱۰۰	۴۲۶۰۰	۴ تن
گندم دوسر	۱۱۴۰۰	۱۰۷۰۰	۸۵۶۴
جوی آبی	۵۵۷۴	۵۵۷۴	۱۳۴۳۵
جوی دیسی	۱۲۴۰	۱۲۰۰	۹۶۰

مهمترین جاده‌های موجود در شهرستان عبارتند از:

- جاده ترانزیتی اهواز به تهران
- جاده آسفالت شوش به دزفول

جاده آسفالت شوش به اندیشک

تا سال ۱۳۶۸ شوش یکی از بخشهای شهرستان دزفول بود، اما از آن تاریخ به شهرستان تبدیل گردید. این شهر از سه قسمت: مرکزی، غرب رودخانه شاور و خضیره تشکیل شده است.

از میان دیدنیهای شوش می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

بقعه دانیال (ع)، عبدالله بن علی، دعبل خزاعی (شاعر معروف دوره امام رضا)، سید عباس بن علی معروف به عباس شوقی، موزه شوش، مجموعه تپه‌های باستانی شوش

محوستان به ایران آورده شد و در آلودشت در نزدیکی سد شاتور کاشته شد. پس از ایجاد سد دز کشت نیشکر در این منطقه متداول و به این نتیجه رسید که در صورت تأمین آب کافی اراضی این منطقه برای کشت نیشکر مناسب است. بر این اساس دشت وسیع هفت تپه در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ شسی به عنوان مرکز طرح نیشکر و کشت وسیع آن انتخاب شد و اجرای اولین طرح نمونه کشت نیشکر در ۱۰ هزار هکتار از اراضی هفت تپه بر اساس همین نظریه اجرا شد. سپس در ناحیه کارون کشت و بهره‌برداری از آن آغاز شد. ۱۷

اکنون طرح نیشکر هفت تپه محوطه وسیعی را در داخله بین رودهای دز و کرخه در دشت خوزستان فراگرفته است. منطقه مورد نظر از حیث کشاورزی و استعداد خاک بسیار مطلوب و مناسب است. مزارع نیشکر در سمت شرق رودخانه دز و در سمت غرب شاهراه مابین اندیشک به اهواز قرار دارند. مزارع نیشکر از شمال تا حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر اندیشک و از جنوب تا نزدیکیهای ایستگاه آلودشت را دربر می‌گیرد. بشیرج این طرح و ساختن کارخانه‌های تصفیه نیشکر احداث گردید و تأسیسات مختلف آن در این دشت برپا شد.

فصل کشت نیشکر از اواخر مرداد تا اواخر مهر ماه بوده و این کار به وسیله قلعه زدن انجام می‌گیرد. در موقع برداشت ابتدا مزرعه نیشکر را می‌سوزانند تا شاخ و برگها صافی سوخته شود آنگاه مزرعه درو می‌شود تا مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از نیشکر بعد از گرفتن شکر، دو ماده دیگر به نامهای "ملاس" و "باگاس" تهیه می‌کنند.

تأسیس کارخانه کاغذسازی

پس از تهیه شکر از نیشکر، ماده دیگری به نام "باگاس" از آن تهیه می‌کنند. باگاس در تهیه کاغذ مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین منظور کارخانه کاغذسازی پارس در نزدیکی کارخانه نیشکر هفت تپه ساخته شده است.

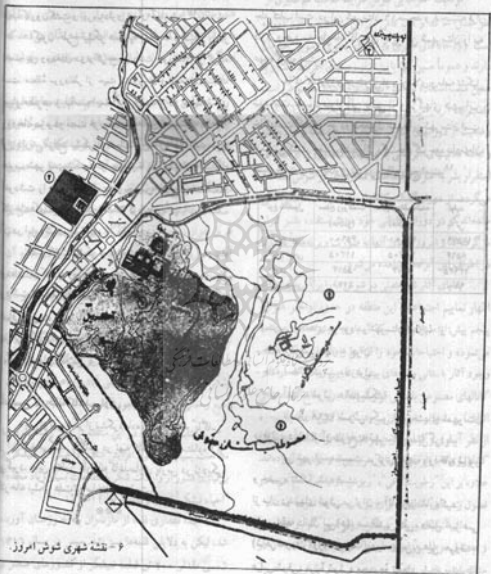
(اکروپل، شهر شاهی، کاخ آپادانا)، معبد با زینگورات
 چغازنبیل و موزه شوش که با وسعتی معادل ۵۵۰ مترمربع در
 باغی به وسعت ۱۴۶۳۵ مترمربع بر سر راه قلعه باستانی شوش
 و روبروی قلعه دانیالسی قرار دارد. این موزه در سال ۱۳۴۵
 گشایش یافت.^{۱۹}

نتیجه

بنابر آنچه در ستور بالا گذشت به می توان به خوبی

اظهار داشت که تحقیقات باستان‌شناسی و لغات‌های حفاری
 در آثار و بقایای چند هزار سال که در این گوشه پهناور کشور
 ما قرار گرفته‌اند هر روز اطلاعات تازه و ارزنده‌ای درباره
 تمدن گذشته و برافتخار این سرزمین آشکار نموده و سرنگ
 تازه‌ای به تاریخ آن خواهد افزود.

دشت خوزستان که در وهنگذر پیشرفت تمدن بشری
 یکی از پرتلاش‌ترین و مساعدترین مناطق جهان و بدون شک



از فعال‌ترین گاهواره‌های اولیهٔ تمدن بود به زودی در این زمینه به کمال رسید. آثار و بقایای باقی مانده از این فعالیت سبب و پیشگیر اجسامات اولیه. امروز به صورت نیمه‌ای باستانی متعدد در این دشت وجود دارند که اهم آنها تپه باستانی شوش است که در کنار شهر شوش قرار گرفته و در حدود یک کیلومتر و نیم طول و عرض دارد.

آنان که علاقه‌مند به تاریخ گذشته این مرز و بوم و همچنین موارث فرهنگی گذشتگان هستند، اهمیت این آثار را درک نموده و از ویران ساختن آن بایستی خودداری نمایند. بنابراین در حفظ و نگهداری آن باید کوشا بود و از تخریب و ایجاد بناهای بی‌مطالعه و گسترش بی‌رویه شهر جلوگیری کرد.

پی نوشتها:

- (۹) هاکس، جینز، ۱۳۴۹. قاموس کتاب مقدس، چاپ دوم. (تهران: طهوری،) صص ۳۶۶-۳۶۷.
- مصاحب، غلامحسین (فراهم‌آورنده)، ۱۳۲۵. دایرةالمعارف فارسی. (تهران: فرانکلین،) ص ۸۵۲.
- (۱۰) دیالوگ‌ها / ژان / ترجمه همایون فردوسی، ۱۳۶۱. سفرنامهٔ دیالوگ‌ها. چاپ دوم. (تهران: خیام،) صص ۶۴۰.
- (۱۱) مرکز آمار ایران، آمارنامهٔ خوزستان. (تهران: ۱۳۷۱).
- (۱۲) نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۷۲. حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان. (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور،) ص ۲۵۷.
- (۱۳) دموگان، ژان ژاک ماری / ترجمه جهانگیر قائم‌مقامی، ۱۳۳۵. سفرنامهٔ دموگان. (تهران: طهوری،) ص ۹۱۰.

(۱۴) برای تاریخچهٔ حفاری بنگرید به مقالهٔ آقای کامیار عبیدی در همین شماره.

(۱۵) باستانی، علی‌قلی محمود، ۱۳۵۱. شکرستان، چند گفتار پیرامون «حسنگ ایران». (تهران: مؤلّف،) صص ۵۶-۷۰.

(۱۶) بررسی مقدماتی وضع فن و شکر در ایران. گزارش شماره ۱ (روسیسنت ۱۳۳۷). وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی، معاونت اقتصادی، دفتر طرحها و برنامه‌ها.

(۱۷) «مختصری پیرامون کشت نیشکر و فعالیت‌های شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه». اداره خدمات و روابط عمومی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، شرکت سهامی کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه (تیروز ۱۳۵۷).

(۱۸) مرکز آمار ایران، آمارنامهٔ خوزستان. (تهران: ۱۳۷۱).

(۱۹) خسروی، کتابیون / رئیس فراهانی، عباس و آمانی‌سرای، فریدون، ۱۳۷۲. موزه‌های ایران. (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

۱- مرکز آمار ایران، آمارنامهٔ خوزستان. (تهران: ۱۳۷۱).

۲- مرکز آمار ایران، آمارنامهٔ خوزستان. (تهران: ۱۳۶۹).

۳- امام شوشتری، سیدمحمدعلی، ۱۳۳۱. تاریخ جغرافیایی خوزستان (تهران: امیرکبیر،) ص ۲۲۱.

۴- استخری، ابوالحسن ابراهیم / به اهتمام امیر افشار، ۱۳۲۷. سالک و سالک. (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب،) صص ۹۱-۹۲.

۵- ابن حوقل / ترجمه دکتر بعضی شماره، ۱۳۲۵. صورة الارض. (تهران: بنیاد فرهنگ ایران،) ص ۲۸.

۶- ستوده، منوچهر [مصحح]، ۱۳۲۰. حدود العالم من المشرق والمغرب (تهران: دانشگاه، تهران،) ص ۱۳۹.

۷- ستوفی، ابوبکر محمدالله بن نصر / به کوشش محمد دبیرسیاقی، ۱۳۳۷. [ترجمه القلوب]. (تهران: طهوری،) صص ۱۱۱-۱۱۲.

۸- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد / ترجمه طیفی متزوی، ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان،) ص ۶۰۲.

۹- لسترنج، گی / ترجمه محمود عرفان، ۱۳۳۷. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب،) صص